

ریشه‌های پیروزی باراک اوباما

دکتر حسین دهشیار*

۲۲ درصد رأی دهندگان خود را لیبرال خواندند که تفاوت چندانی با ۲۱ درصد در سال ۲۰۰۴ نداشت و ۳۴ درصد رأی دهندگان، همچون سال ۲۰۰۴ خود را محافظه کار معرفی کردند. در انتخابات ۲۰۰۸، نزدیک به ۳۹ درصد رأی دهندگان خود را دموکرات خواندند و ۳۲ درصد خود را در کنار محافظه کاران جای دادند. البته در این سه دهه، شمار کسانی که خود را دموکرات یا جمهوریخواه دانسته‌اند، کمابیش برابر (۳۷ درصد) بوده است. با وجود ثابت ماندن شمار کسانی که در این طیفها می‌گنجیدند، باراک اوباما، با ۳۶۵ رأی الکتورال بر جای مک‌کین با ۱۷۳ رأی الکتورال پیروز شد. شرایط اقتصادی در گستره کشور به گونه‌ای بود که جمهوریخواهان را وادار می‌کرد از موضع دفاعی با رأی دهندگان برخورد کنند. سقوط بازار مالی که در سپتامبر به اوج خود رسید، روشن ساخت که رأی دهندگان بیش از هر چیز به دگرگونی اوضاع و شرایط احساس نیاز می‌کنند. برپایه واقعیات اقتصادی، استراتژی انتخاباتی باراک اوباما بر این پایه استوار گشت که نگذارد اصول ارزشی-اخلاقی مورد نظر گروههای مذهبی پروتستان به محور انتخابات تبدیل شود و دیگر اینکه برای جلوگیری از دور شدن توجه رأی دهندگان از مسائل اقتصادی، ویژگی تژادی او برجستگی نیابد. اوباما در چارچوب این استراتژی توانست از ۳۱۴۰

پیشگفتار

انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ آمریکا، همچنان که انتظار می‌رفت به پیروزی باراک اوباما انجامید و به هشت سال حضور جمهوریخواهان در کاخ سفید پایان داد. این مبارزات که در عمل پس از انتخابات میان دوره‌ای کنگره در ۲۰۰۶ آغاز شد، از یک سو بسیاری از معادلات انتخاباتی در آمریکا را برهم زد و از سوی دیگر بسیاری از محاسبات و الگوهای انتخاباتی را تأیید و تثبیت کرد. دموکراتها برای نخستین بار پس از ۱۹۶۴ توانستند یک لیبرال را روانه کاخ سفید کنند؛ برای نخستین بار توانستند بی‌پیروزی در ایالت‌های جنوبی بر جمهوریخواهان چیره شوند، کاری که در پنج دهه گذشته امکان‌پذیر نبوده است؛ برای نخستین بار در تاریخ آمریکا، یک نامزد درنگین پوست توانست با به دست آوردن ۶۶ میلیون و ۷۲۸ هزار رأی، نامزد سفیدپوستی را که ۵۸ میلیون و ۱۱۹ هزار رأی آورده بود پشت سر گذارد. این انتخابات تاریخی، با همه ویژگیهای یگانه‌اش، این واقعیت را به نمایش گذاشت که طیف ایدئولوژیک و وابستگیهای حزبی که از عواملی کلیدی است که نتیجه انتخابات را رقم می‌زند و پدیده‌های ساختاری اثرگذار بر انتخابات را تعریف می‌کند، در سال ۲۰۰۸ تفاوت چندانی با دوره‌های پیشین نداشته است. در ۲۰۰۸،

* استاد دانشگاه علامه طباطبایی

مبارزات انتخاباتی دو نامزد پس از کنوانسیونهای حزبی آغاز شود، می‌شد پیش‌بینی کرد. «درباره نتیجه بسیاری از انتخابات، پیش از اینکه مبارزه آغاز شود، تصمیم نهایی گرفته شده است.»^۳ جدا از اینکه کدامین يك از الگوهای انتخاباتی مطرح را مورد توجه قرار دهیم، بسیاری از صاحب‌نظران نيك می‌دانستند که جان‌مك کین بخت اندکی برای پیروزی خواهد داشت، مگر اینکه باراك اواما دست به کاری پیش‌بینی نشده بزند یا برنامه‌ای بیرون از دایره هنجارهای مورد پذیرش اکثریت شهروندان مطرح کند. همچنان که اندرو جکسون در ۱۸۳۲ گفت آن کس که رأی اکثریت را به دست می‌آورد، دارای مشروعیت است،^۴ باراك اواما هم برای اینکه اکثریت رأی دهندگان را به سوی خود بکشاند، می‌بایست در چارچوبهای متعارف فعالیت کند. تیم انتخاباتی باراك اواما با آگاهی از چندوچون همه الگوهای انتخاباتی، شعارهای خود را بر پایه «دگرگونی» و با انگشت گذاشتن بر دلبستگیها و منافع رأی دهندگان مستقر در مرکز طیف سیاسی طراحی کردند. مدل کلمبیا که در سالهای میانی سده بیستم مطرح شد و اعتبار یافت، گویای آن است که رأی دهندگان بر پایه ویژگیهای اجتماعی خود رأی می‌دهند و بدین‌سان می‌توان پیش‌بینی کرد که به کدام نامزد یا حزب گرایش خواهند داشت. ویژگیهایی چون جنس، نژاد، مذهب، سواد، سطح درآمد و... تعیین‌کننده سمت و سو دهنده رأی است.^۵ مشاوران انتخاباتی باراك اواما با توجه به رنگین پوست بودن او بر این باور بودند که خواهند توانست رأی بیشتر گروههای اسپانیایی تبار، آسیایی تبار و آفریقایی تبار را به دست

بخش انتخاباتی، در ۱۱۷۳ بخش با بیش از ۱۰ درصد، در ۷۱۴ بخش با ۵ تا ۱۰ درصد و در ۵۵۰ بخش با کمتر از ۵ درصد آرا بر جان‌مك کین پیروز شود. اواما با این استراتژی توانست در ایالتهایی که انتظار می‌رفت پیروز شود، قاطعانه به پیروزی برسد و در ایالتهایی که انتظار می‌رفت با تفاوت رأی اندک برنده شود، با به دست آوردن آرای فزونیتر از پیش‌بینی‌ها از جان‌مك کین پیشی گیرد (نمودار ۱).

الگوهای انتخاباتی

باراك اواما نزدیک به ۵۳ درصد کل آرا را در برابر جان‌مك کین (۴۶ درصد) به دست آورد. در نزدیک به چهار دهه گذشته، این بالاترین درصد آرای است که يك نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری بدست آورده است (نمودار ۲). تیم انتخاباتی باراك اواما آگاه بود که زمینه و درونمایه انتخابات به سود نامزد دموکرات است و باید از هر چه این معادله را برهم زند، پرهیز کرد. مهمترین بخش استراتژی تیم انتخاباتی او این بود که نزدیکترین نقطه به مرکز سیاسی جامعه را برای باراك اواما طراحی کنند و از هر گونه سیاست یا برنامه‌ای که از دید رأی دهندگان افراطی باشد، دوری گزینند. از آنجا که رأی دهندگان آمریکایی روی طیف سیاسی به دو گروه کمابیش برابر تقسیم شده‌اند، «گرایش نیرومند مرکز گرا، نتیجه انتخابات را رقم می‌زند و آثار انتخاباتی رویدادها و نیروهای گذرارا کاهش می‌دهد.»^۱ آنها تصمیم گرفتند سیاستها را به گونه‌ای طراحی کنند که بر آورنده منافع بیشترین لایه‌های جامعه باشد و گروههای متفاوت در راستای سود خود، به رأی به باراك اواما گرایش یابند. با توجه به گوناگونی ماهیت گروههای رأی دهنده، دو حزب دموکرات و جمهوریخواه پیوسته می‌کوشند به سوی مرکز طیف سیاسی حرکت کنند، و این شاید بهترین پاسخ به این باشد که چرا احزاب نیرومند دیگری در ایالات متحده پا نمی‌گیرند.^۲ با توجه به اینکه شرایط اقتصادی بسیار بد بود، و با در نظر گرفتن الگوهای متفاوت انتخاباتی، برای بسیاری کسان روشن بود که جان‌مك کین بخت پیروزی ندارد، مگر اینکه باراك اواما درگیر موضوعات و رویدادهایی با آثار زودگذر شود. نتیجه این انتخابات را هم مانند بسیاری دیگر از انتخابات حتماً پیش از آنکه

○ بر پایه واقعیات اقتصادی، استراتژی انتخاباتی باراك اواما بر این پایه استوار گشت که نگذارد اصول ارزشی - اخلاقی مورد نظر گروههای مذهبی پروتستان به محور انتخابات تبدیل شود و دیگر اینکه برای جلوگیری از دور شدن توجه رأی دهندگان از مسائل اقتصادی، ویژگی نژادی او برجستگی نیابد.

نامزد حزب دموکرات دادند؛ پدیده‌ای که در چهار دهه گذشته بی‌مانند بود. (نمودار ۴). بسیج دموکراتها، با توجه به اینکه «استراتژیهای بسیج، مبارزه انتخاباتی را با برگشت به نسبت قابل اطمینان سرمایه‌گذارها همراه می‌کند»^۷، شکست جان مک‌کین را گریزناپذیر ساخت. بر پایه مدل اقتصادی، رأی‌دهنده با در نظر گرفتن شرایط اقتصادی رأی می‌دهد. در چارچوب این مدل، رأی‌دهنده به شرایط اقتصادی بیش از هر چیز اهمیت می‌دهد و در سایه آن به ارزیابی نامزدها می‌پردازد.^۸ کاهش تولید ناخالص اقتصادی، کاهش پیوسته رشد اقتصادی، افزایش بیکاری و ناکارآمدی بخش صنعت در چهار سال پایانی حضور جمهوریخواهان در کاخ سفید، این نکته را روشن ساخته بود که چنانچه استراتژی مبتنی بر توجه به مرکز طیف سیاسی در پیش گرفته شود، باراک اوباما به پیروزی خواهد رسید. بر سرهم، سه چیز نتیجه انتخابات را رقم می‌زند: نخست، زمینه‌ای که در آن مبارزات انتخاباتی شکل می‌گیرد. عناصر کارساز در این زمینه، یکی شرایط اقتصادی است و دیگر، ارزیابی شهروندان از کارکرد رییس جمهوری. شرایط اقتصادی در سه ماه پایانی مبارزات انتخاباتی یکسره بدتر می‌شد و ارزیابی آمریکاییان از کارکرد و سیاستهای رییس جمهوری هم بسیار منفی بود و تنها ۳۰ درصد شهروندان به جورج دبلیو بوش جمهوریخواه نظر مثبت داشتند؛ کمترین اندازه محبوبیت یک رییس جمهوری در دوران پس از جنگ جهانی دوم. بدین سان، زمینه انتخابات یکسره به زیان نامزد جمهوریخواه، جان مک‌کین، و به سود رقیب او باراک اوباما بود. دوم، وابستگی سیاسی. در انتخابات ۲۰۰۸، در سنجش با انتخابات ۲۰۰۴، شمار بیشتری از رأی‌دهندگان خود را دموکرات معرفی می‌کردند. سوم، چگونگی مبارزات انتخاباتی. مشاوران باراک اوباما که هدایت مبارزه انتخاباتی او را بر عهده داشتند رأی‌دهندگان را متقاعد کردند که نامزد حزب دموکرات بهترین کس برای ریاست جمهوری است. مشاوران «رأی‌دهندگان را تشویق می‌کنند که خود در مورد نامزد تصمیم بگیرند و وابستگی حزبی را هر چند به مشاوران کمک می‌کند، کنار بگذارند و نادیده بگیرند».^۹ بر پایه کارکرد این سه عامل، که مبانی «تئوری انتخابات قابل

○ مشاوران انتخاباتی باراک اوباما با توجه به رنگین پوست بودن او بر این باور بودند که خواهند توانست رأی بیشتر گروههای اسپانیایی تبار، آسیایی تبار و آفریقایی تبار را به دست آورند و از آنجا که زنان همواره گرایش بیشتری به نامزدهای دموکرات دارند، از پشتیبانی آنان نیز برخوردار خواهند شد. پس استراتژی را بر این گذاشتند که سفیدپوستان را به سوی مرکز طیف سیاسی برانند و از باراک اوباما ترسانند و از دستیابی جان مک‌کین به بیش از ۵۵ درصد آرای سفیدپوستان جلوگیری کنند.

آورند و از آنجا که زنان همواره گرایش بیشتری به نامزدهای دموکرات دارند، از پشتیبانی آنان نیز برخوردار خواهند شد. پس استراتژی را بر این گذاشتند که سفیدپوستان را به سوی مرکز طیف سیاسی برانند و از باراک اوباما ترسانند و از دستیابی جان مک‌کین به بیش از ۵۵ درصد آرای سفیدپوستان جلوگیری کنند. استراتژی کلی انتخاباتی باراک اوباما کارساز افتاد و او نه تنها توانست بیشتر آرای همه گروههای بزرگ نژادی و زنان را به دست آورد بلکه توانست آفت رأی سفیدپوستان به نامزد حزب جمهوریخواه را در سنجش با انتخابات ۲۰۰۴ رقم بزند (نمودار ۳). بر پایه مدل کلمبیا، رأی‌دهنده، نخست در چارچوب وابستگی حزبی خود رأی می‌دهد و سپس به دیگر مسائل می‌پردازد. بدین سان در چارچوب تئوریک این مدل، رأی‌دهنده اسیر وابستگیهای حزبی است که از دوران کودکی و در خانواده به آن گرایش یافته است.^۶ استراتژی باراک اوباما در جریان انتخابات، با توجه به اینکه شمار بیشتری از رأی‌دهندگان خود را دموکرات معرفی می‌کردند، بر بسیج هر چه بیشتر دموکراتها گذاشته شد. در چهارم نوامبر، ۸۹ درصد دموکراتهای لیبرال و ۶۰ درصد دموکراتهای میانه‌رو رأی خود را به

۲۰۰۶ در دیدارهایی با او در شیکاگو، وی را تشویق کردند که برای انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ نامزد شود و برای اینکه به سرنوشت جسی جکسون گرفتار نشود، استراتژی متفاوتی برای او بعنوان يك نامزد سیاهپوست طراحی کردند. باراک اواما اعلام نکرد که يك سیاهپوست دموکرات است بلکه گفت که بعنوان يك دموکرات سیاهپوست خواهان رسیدن به ریاست جمهوری است. سیاستمداران سیاهپوستی که در دهه‌های گذشته در صحنه‌های گوناگون سیاسی در آمریکا فعالیت داشتند، بیشتر از اعضای جنبش مدنی در دهه‌های شصت و اوایل دهه هفتاد بودند. آنان با این نگاه وارد صحنه سیاست شدند که سفیدپوستان را ناگزیر از جبران بیعدالتی‌هایی کنند که از ۱۶۱۹ بر سیاهپوستان روا داشته‌اند. آنان بعنوان سیاستمداران «سیاهپوست جنبشی» خود را نخست آفریقایی تبار و سپس آمریکایی می‌شمردند. سیاستمداران سیاهپوست جنبشی، در انتخابات محلی و در آن دسته از حوزه‌های انتخاباتی که اکثریت با سیاهپوستان بود به پیروزی رسیده‌اند، در صحنه سیاسی مطرح شده‌اند و در دستگاههای قانونگذاری و اجرایی و قضایی به مقامات بالا رسیده‌اند ولی هیچگاه نتوانسته‌اند در سطح ایالتی و ملی که پیروزی در گروه و ائتلاف گروه‌های متفاوت قومی، نژادی و اقتصادی است، بدرخشند. باراک اواما نخستین سیاستمدار سیاهپوست بود که توانست محبوبیت خود را از مرزهای يك گروه ویژه فراتر برد و ائتلافی گسترده و همه‌گیر برای پشتیبانی از خود فراهم آورد. او بعنوان يك نامزد سیاهپوست هویتی پا به مبارزات ریاست جمهوری نگذاشت. سیاستمداران سیاهپوست جنبشی که ریشه در مبارزات مدنی دهه شصت سده بیستم دارند، با تکیه بر آفریقایی تبار بودن، خود را به رأی دهندگان می‌شناساند و از همین رو نمی‌توانند ائتلافهای فرانژادی پدید آورند. باراک اواما بعنوان يك سیاهپوست در انتخابات شرکت نکرد، بلکه در چارچوب استراتژی مشاورانش، بعنوان يك دموکرات و آمریکایی خود را به رأی دهندگان شناساند. او بر آفریقایی تبار بودن خود تأکید نکرد و در سراسر مبارزات انتخاباتی، چه در مرحله مقدماتی و چه در مرحله عمومی هیچگاه سخنی از سیاهپوست بودن خود به میان نیاورد و دریوند با جنبش مدنی به

پیش‌بینی) را شکل می‌داد، باراک اواما به پیروزی دست یافت. زمینه انتخابات، دلخواه باراک اواما بود و از سوی دیگر بیشتر رأی دهندگان را دموکراتها تشکیل می‌دادند که پس از هشت سال حضور جمهوریخواهان در کاخ سفید، آرزوی ریاست جمهوری يك دموکرات را داشتند. در چارچوب شیوه مبارزه انتخاباتی نیز که سومین عنصر این تئوری است، به بهترین وجه از دو عنصر دیگر بهره‌برداری شد.

نامزد سیاهپوست، و رای مرزهای هویتی^۳

در انتخابات ۱۹۸۸، برجسته‌ترین نامزدها مایکل دوکاکیس و جورج هربرت واکر بوش بودند، و بی‌گمان جسی جکسون، نخستین نامزد سیاهپوست، نامتعارف‌ترین نامزد به‌شمار می‌رفت. او بعنوان یکی از نامزدهای حزب دموکرات، با وجود پشتیبانی گسترده رسانه‌ای، کمترین جذابیت را برای رأی‌دهندگان دموکرات داشت. جسی جکسون از چهره‌های برجسته در جنبش مدنی، کار سیاسی را در کنار رهبر معنوی سیاهپوستان، دکتر مارتین لوتر کینگ از دهه ۱۹۶۰ آغاز کرده بود، ولی نتوانست نظر رأی‌دهندگان را حتی در حزب دموکرات که پایگاه او بود به خود جلب کند و فعالیت سیاسی-مدنی کمابیش سی ساله‌اش تبدیل به سرمایه انتخاباتی نشد. در انتخابات ۲۰۰۸، برخلاف انتخابات ۱۹۸۸، نامزد سیاهپوست دموکرات، همه معادلات سیاسی را برهم زد. او نه تنها نامزد مورد نظر رهبران حزبی یعنی هیلاری کلینتون را شکست داد بلکه با ائتلافی متفاوت از ائتلاف سنتی دموکراتها توانست به کاخ سفید راه یابد. پیروزی او بعنوان نخستین سیاهپوست، چنان بود که کمترین کسی در دوران مبارزات مدنی آنرا امکان‌پذیر می‌یافت. حال این پرسش پیش می‌آید که باراک اواما چگونه با کمتر از چهار سال پیشینه سیاسی در سنای آمریکا و صحنه ملی توانسته است بر جان مک‌کین که از دهه هشتاد در پهنه سیاست آمریکا فعال بوده و پیشینه افتخار آمیز نظامی در دهه شصت را يدک می‌کشیده است، چیره شود. باراک اواما در کنوانسیون ۲۰۰۴ حزب دموکرات یکی از سخنرانان اصلی بود و در آنجا بود که نگاه استراتژیستهای حزبی را به سوی خود کشید. آنان در

سال داشتند؛ يك چهارم آنان سیاهپوست و شصت و يك درصد سفیدپوست بودند.

از میان رفتن محوریّت جنوب

در نیمهٔ دوم دههٔ پنجاه، رأی دیوان عالی آمریکا، آغازگر فرایندی شد که در ۱۹۶۴ تدوین مجموعه قوانینی موسوم به حقوق مدنی را امکان‌پذیر کرد. حزب دموکرات که اکثریت را در کنگرهٔ آمریکا داشت در دوران ریاست جمهوری لیندون جانسون کوشید از راه قانون‌گذاری برابری مدنی را در آمریکا برقرار سازد. تصمیمات دیوان عالی و اقدامات کنگره در راستای تأمین حقوق مدنی سیاهپوستان که در خاور و شمال آمریکا از پشتیبانی گسترده برخوردار بود، در ایالت‌های جنوبی با واکنش سخت روبه‌رو شد. از پایان جنگ‌های داخلی در ۱۸۶۵ ایالت‌های جنوبی در عمل زیر نفوذ حزب دموکرات بود. حزب جمهوریخواه توان رقابت با حزب دموکرات در ایالت‌های جنوبی را نداشت و جنوب، برای يك سده تك حزبی باقی ماند. اقدام دیوان عالی و کنگره سبب شد که رفته رفته پایه‌های حزب دموکرات در جنوب به لرزه افتد و وابستگی‌های حزبی در میان سفیدپوستان کاهش یابد. برتری مطلق حزب دموکرات در جنوب در انتخابات ریاست جمهوری ۱۹۶۸ با چالش عملی روبه‌رو شد و از آن هنگام حزب جمهوریخواه توانست دامنهٔ نفوذ خود را در ایالت‌های جنوبی گسترش دهد. ریچارد نیکسون در انتخابات ۱۹۶۸ بعنوان نامزد حزب جمهوریخواه، استراتژی جنوبی را بنیان نهاد و در چارچوب این استراتژی بود که دوبار به کاخ سفید راه یافت. از آن هنگام، حزب جمهوریخواه به حزب برتر در جنوب تبدیل شد و پایگاه انتخاباتی حزب در این حوزهٔ جغرافیایی قرار گرفت. حزب جمهوریخواه با برتری در ایالت‌های جنوبی توانست ریچارد نیکسون را برای دو دوره، رونالد ریگان را برای هشت سال، جورج هربرت واکر بوش را یکبار و جورج دبلیو بوش را برای دو دوره به کاخ سفید بفرستد. در نزدیک به چهار دهه، تنها دموکرات‌هایی به کاخ سفید راه یافتند که فرماندار یکی از ایالت‌های جنوبی بودند. در انتخابات ۲۰۰۸، بسیاری کسان ایالت‌های جنوبی را پاشنهٔ آشیل باراک اوباما که لیبرال‌ترین سناتور دموکرات و تنها عضو سیاهپوست

سخنرانی‌های هویت محور پرداخت. محور مبارزهٔ انتخاباتی باراک اوباما این بود که او خواهان پدید آمدن ائتلافی در برگیرندهٔ همهٔ اقلیتها در کنار سفیدپوستان است. استراتژی انتخاباتی غیر هویتی باراک اوباما تاریخ‌ساز گشت و نامزدی رنگین پوست با پیشینهٔ سیاسی اندک، به کاخ سفید راه یافت. او توانست در ۲۸ ایالت بیشترین آرا را به دست آورد و در ۲۲ ایالت هم با اینکه در برابر جان مک کین شکست خورد، در صدی چشمگیر از آراء را برای يك دموکرات به دست آورد (نمودار ۵). با در نظر گرفتن اینکه انتخابات در آمریکا، برخلاف کشورهای اروپایی، حزب محور نیست و سخت‌نامزد محور است،^{۱۱} استراتژی انتخاباتی غیر هویتی باراک اوباما سبب شد که ائتلافی گسترده که ۴۹ درصد رأی دهندگان مرد، ۵۶ درصد رأی دهندگان زن، ۴۳ درصد رأی دهندگان سفیدپوست، ۹۵ درصد رأی دهندگان سیاهپوست، ۶۷ درصد رأی دهندگان اسپانیایی تبار و ۶۲ درصد رأی دهندگان آسیایی تبار را در برمی گرفت، پدید آید و سیاهپوستی از ردهٔ سیاستمداران غیر جنبشی را به کاخ سفید بفرستد. کمابیش يك چهارم رأی دهندگان به اوباما کمتر از سی

○ باراک اوباما بعنوان يك سیاهپوست در انتخابات شرکت نکرد، بلکه در چارچوب استراتژی مشاورانش، بعنوان يك دموکرات و آمریکایی خود را به رأی دهندگان شناساند. او بر آفریقایی تبار بودن خود تأکید نکرد و در سراسر مبارزات انتخاباتی، چه در مرحلهٔ مقدماتی و چه در مرحلهٔ عمومی هیچگاه سخنی از سیاهپوست بودن خود به میان نیاورد و در پیوند با جنبش مدنی به سخنرانی‌های هویت محور پرداخت. محور مبارزهٔ انتخاباتی باراک اوباما این بود که او خواهان پدید آمدن ائتلافی در برگیرندهٔ همهٔ اقلیتها در کنار سفیدپوستان است.

○ باراك اوباما نزدیک به ۵۳ درصد کل آرا را در برابر جان مک کین (۴۶ درصد) به دست آورد. در نزدیک به چهار دهه گذشته، این بالاترین درصد آرای است که یک نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری بدست آورده است. تیم انتخاباتی باراك اوباما آگاه بود که زمینه و درونمایه انتخابات به سود نامزد دموکرات است و باید از هر چه این معادله را برهم زند، پرهیز کرد. مهمترین بخش استراتژی تیم انتخاباتی او این بود که نزدیکترین نقطه به مرکز سیاسی جامعه را برای باراك اوباما طراحی کنند و از هر گونه سیاست یا برنامه‌ای که از دید رأی دهندگان افراطی باشد، دوری گزینند.

جنوب بعنوان يك بلوك يكپارچه مطرح نیست. در حاشیه ساحل آتلانتیک یعنی در ویرجینیا و کارولینای شمالی باراك اوباما به پیروزی رسید و با اینکه در «کمبریند آپالاجی» که از نیویورک تا می‌سی‌سی‌پی را در بر می‌گیرد تنها در ۴۴ بخش از کل ۴۱۰ بخش برنده شد، باز به کاخ سفید راه یافت. پس از سوی دیگر، پیروزی باراك اوباما نشان داد که جمهوریخواهان دیگر نمی‌توانند تنها با تکیه بر استراتژی جنوب به کاخ سفید راه یابند و ناگزیرند پایگاه جغرافیایی خود را گسترش دهند. آنان دیگر نمی‌توانند ناتوانی خود در کرانه‌های خاوری و باختری کشور را نادیده بگیرند. حزب جمهوریخواه اگر همچنان یک حزب جنوبی باقی بماند تبدیل به یک حزب منطقه‌ای می‌شود و توان مبارزه در سطح ملی را از دست خواهد داد. استراتژی پنجاه ایالت باراك اوباما که پیروزی او را مسلم ساخت، نشان داد که دموکراتها بدان علت که در سراسر کشور توان رقابت دارند، ضرورتی احساس نخواهند کرد که برای پیروزی منافع یک منطقه جغرافیایی ویژه را محور مبارزات خود

سنا بود، می‌دانستند. با توجه به الگوهای انتخاباتی در طول چهار دهه، این باور وجود داشت که دموکراتها به کاخ سفید راه نخواهند یافت مگر اینکه در جنوب بتوانند با جمهوریخواهان رقابت کنند. استراتژی باراك اوباما برای پیروزی، بر مبارزه در همه پنجاه ایالت قرار گرفت. هدف این بود که اهمیت پیروزی در ایالت‌های جنوبی را برای راهیابی به کاخ سفید به کمترین اندازه کاهش داده شود. «استراتژی پنجاه ایالت باراك اوباما» بر این پایه استوار شد که در ایالت‌هایی که جمهوریخواهان همواره برتری داشته‌اند ولی به علت وجود اقلیت‌های قومی در آنها امکان چالش وجود دارد، مبارزه انتخاباتی هر چه سنگین تر و دامنه‌دار تر شود. بدین سان، بیشترین توجه به مبارزه انتخاباتی در ویرجینیا، کارولینای شمالی، فلوریدا و کلرادو معطوف شد. باراك اوباما در این ایالتها که برای دست یافتن به پیروزی و شکست جان مک کین اهمیت بسیار داشت، سخت فعال بود و نامزد جمهوریخواه را وادار ساخت بخشی از هزینه‌های تبلیغاتی را از ایالت‌هایی که انتظار داشت در آنها برنده شود، به این ایالتها منتقل کند تا جلوی پیروزی باراك اوباما را بگیرد. استراتژی پنجاه ایالت باراك اوباما که بر پایه افزایش توان رقابتی حزب دموکرات در ایالت‌های جنوبی طراحی شده بود، مایه پیروزی او شد. اوباما در ایالت‌های شمال خاوری، باختری و خاور میانی با برتری قاطع، جان مک کین را شکست داد و توانست بالاترین میزان رأی برای یک نامزد دموکرات را از ۱۹۸۰ به این سو در جنوب با ۴۵ درصد آرا به دست آورد (نمودار ۶). استراتژی پنجاه ایالت در منطقه آتلانتیک میانه، پیروزی در پنسیلوانیا و نیویورک را به ارمغان آورد؛ در منطقه مرکزی شمالی، مایه پیروزی در ایلینویز، ویسکانسین، اوهایو و میشیگان شد؛ در منطقه باختر کوهستانی، پیروزی در نیومکزیکو، کلرادو و نوادا در پی داشت؛ در منطقه باختر پاسفیک پیروزی در کالیفرنیا، واشنگتن، اورگان و هاوایی را رقم زد. پیروزی باراك اوباما در ویرجینیا و کارولینای شمالی به پیروزی قاطع جمهوریخواهان در جنوب پایان داد که رویدادی تاریخی به‌شمار می‌آید. پیروزی باراك اوباما نشان داد که بی‌پیروزی قاطع در ایالت‌های جنوبی نیز می‌تواند به کاخ سفید راه یافت. این بدان معناست که از اهمیت ایالت‌های جنوبی در انتخابات ملی کاسته شده است زیرا دیگر

را به دست می‌گیرند. هر چند شرایط اقتصادی راه پیروزی او باما را بسیار هموار کرد، ولی در چارچوب يك استراتژی دوستونی در کنار برتری متنی بود که توانست پیروزی بی‌مانند دموکراتها در چهار دهه گذشته را رقم زند.

منابع

1. Donald Green/ Bradley Palmquist and Eric Schickler, 2002, **Partisan Hearts and Minds**, New Haven, Connecticut: Yale University Press, p. 225
2. Anthony Downs, 1957, **An Economic Theory of Democracy**, New York: Harper and Row
3. Harold Faber, 1965, **The Road to the White House**, New York: The New York Times Company, p. 188
4. Sidney Milkis and Michael Nelson, **The American Presidency: Origins and Development 1776-1993**, 3d ed, 1993, Washington D.C.: Quarterly Press, p. 119
5. Bernard R. Berelson, Paul F. Lazarsfeld and William N. Mc Phee, 1954, **Voting: A Study of Opinion Formation in a Presidential Campaign**, Chicago: Chicago University Press
6. Angus Campbell, Philip E. Converse, Warren E. Miller and Donald E. Stokes, 1960, **The American Voter**, New York: Wiley
7. Daniel Bergam, et al, "Grassroots Mobilization and Voter turn out in 2004", **Public Opinion Quarterly**, Vol. 69, 2005, p. 776
8. Gregory B. Markus and Philip E. Converse, "A Symmetric Simultaneous Equation Model of Electoral Choice", **American Political Science Review**, 1975, Vol. 73, pp: 1055- 1070
9. Robin Kolodny, "Electoral Partnerships: Political Consultants and Political Parties", in James Thurber and Candice Nelson, eds, **Campaign Warriors: The Role of Political Consultants in Elections**, Washington D.C.: Brookings Institution Press, 2000, p. 129
10. Steven J. Brams, 2008, **Predictable Election Game**, Wellesley, Massachusetts: AK Peters
11. Arthur Sanders, 2007, **Losing Control: Presidential Elections and the Decline of Democracy**, New York: Lang Publishing

○ با توجه به گوناگونی ماهیت گروههای رأی دهنده، دو حزب دموکرات و جمهوریخواه پیوسته می‌کوشند به سوی مرکز طیف سیاسی حرکت کنند، و این شاید بهترین پاسخ به این پرسش باشد که چرا احزاب نیرومند دیگری در ایالات متحده پانمی‌گیرند.

قرار دهند.

سخن پایانی

در شرایطی که در ۲۰۰۸ آمریکا باز دست رفتن ۲/۹۵۰/۰۰۰ شغل روبه‌رو شده بود، روشن بود که انتخابات بر پایه مباحث اقتصادی پیش خواهد رفت. با در نظر گرفتن این واقعیت که جمهوریخواهان بار مسئولیت دشواریهای اقتصادی را بر دوش داشتند، از همان نخستین روزهای مبارزات انتخاباتی عمومی، پیروزی باراک او باما بسیار محتمل می‌نمود. اما واقعیت انکارناپذیر، کاردانی تیم انتخاباتی لیبرال‌ترین عضو سنای آمریکا بود که استراتژی انتخاباتی را بر تأکید نکردن بر سیاهپوست بودن نامزد دموکرات و همچنین مبارزه در همه پنجاه ایالت بویژه در ایالت‌های جنوبی گذاشت. باراک او باما نه بعنوان يك سیاهپوست که بعنوان يك آمریکایی در انتخابات شرکت کرد و مباحث هویتی و مقوله‌های مربوط به جنبش مدنی را یکسره از دستور کار کنار گذاشت. همچنین برای اینکه پیروزی خود را تضمین کند، در همه ایالت‌های جنوبی که پایگاه بی‌چون و چرای حزب جمهوریخواه بود به تبلیغات گسترده و مبارزه سنگین پرداخت و بدین سان نامزد آن حزب را از دستیابی به پیروزی محروم ساخت. به هر رو، این نکته آشکار گشت که جمهوریخواهان بی‌پیروزی قاطع در ایالت‌های جنوبی نمی‌توانند به کاخ سفید راه یابند، در حالی که دموکرات‌ها با پیروزی در چند ایالت جنوبی، با توجه به برتری‌شان در ایالت‌های ساحلی در دو سوی آمریکا به سادگی ریاست جمهوری

نمودار ۱- جغرافیاهایی که مشخص بود برنده اوپاما است

جغرافیا	تعداد الکتورال رای	درصد رای اوپاما	درصد رای مک کین
کالیفرنیا	۵۵	۶۱	۳۷
کانتیکت	۷	۶۱	۳۸
دلور	۳	۶۲	۳۷
منطقه واشنگتن	۳	۹۳	۷
هاوایی	۴	۷۲	۲۷
ایلینویز	۲۱	۶۲	۳۷
میرلند	۱۰	۶۲	۳۷
ماساچوست	۱۲	۶۲	۳۸
میشیگان	۱۷	۵۷	۴۱
نیوجرسی	۱۵	۵۷	۴۲
نیویورک	۳۱	۶۲	۳۷
اورگان	۷	۵۷	۴۱
مین	۴	۵۸	۴۱

جایی که انتظار می‌رفت مک کین برنده باشد

جغرافیا	تعداد الکتورال رای	درصد رای اوپاما	درصد رای مک کین
آلاباما	۹	۳۹	۶۰
آلاسکا	۳	۳۸	۶۰
آریزونا	۱۰	۴۵	۵۴
آرکانزاس	۶	۳۹	۵۹
آیداهو	۴	۳۶	۶۲
کانزاس	۶	۴۱	۵۷
کنتاکی	۸	۴۱	۵۷
لوئیزیانا	۹	۴۰	۵۹
میسیسیپی	۶	۴۳	۵۶
نبراسکا	۵	۴۲	۵۷
اوکلاهما	۷	۳۴	۶۶
کارولینای جنوبی	۸	۴۵	۵۴
تنسی	۱۱	۴۲	۵۷
تگزاس	۳۴	۴۴	۵۶
یوتا	۵	۳۵	۶۲
وایومینگ	۳	۳۳	۶۵

جاهایی که انتظار می‌رفت اوپاما با تفاوت اندک ببرد

جغرافیا	تعداد الکتورال رای	درصد رای اوپاما	درصد رای مک‌کین
کلرادو	۹	۵۴	۴۵
آیوا	۷	۵۴	۴۵
مینه‌سوتا	۱۰	۵۴	۴۴
نوادا	۵	۵۵	۴۳
نیوهمپشایر	۴	۵۴	۴۵
نیومکزیکو	۵	۵۷	۴۲
پنسلوانیا	۲۱	۵۵	۴۴
ویرجینیا	۱۳	۵۳	۴۸
ویسکانسین	۱۰	۵۶	۴۲

جاهایی که انتظار می‌رفت مک‌کین با تفاوت آرای کم ببرد

جغرافیا	تعداد الکتورال رای	درصد رای اوپاما	درصد رای مک‌کین
جورجیا	۱۵	۴۷	۵۲
مونتانا	۳	۴۷	۵۰
داکوتای شمالی	۳	۴۵	۵۳
ویرجینیای غربی	۵	۴۳	۵۶

جاهایی که رقابت دو کاندیدا در آنها بسیار شدید و نزدیک بود

جغرافیا	تعداد الکتورال رای	درصد رای اوپاما	درصد رای مک‌کین
فلوریدا	۲۷	۵۱	۴۸
ایندیانا	۱۱	۵۰	۴۹
میسوری	۱۱	۴۹	(برنده مک‌کین) ۴۹
کارولینای شمالی	۱۵	۵۰	(برنده اوپاما) ۵۰
اوهایو	۲۰	۵۱	۴۷

رای با توجه به قومیت و نژاد در انتخابات از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸:

	نحوه رأی دادن سفیدها که ۷۴ درصد کل واجدین رأی دادن می باشند									
	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	۳۱	۴۷	۳۶	۳۵	۴۰	۳۹	۴۳	۴۲	۴۱	۴۳
جمهوریخواه	۶۷	۵۲	۵۶	۶۴	۵۹	۴۰	۴۶	۵۴	۵۸	۵۵
مستقل	-	-	۷	-	-	۲۰	۹	۳	-	-

نحوه رأی دادن سیاهپوستان که ۱۳ درصد کل واجدین رأی دادن می باشند

	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	۸۳	۸۳	۸۵	۹۰	۸۶	۸۳	۸۴	۹۰	۸۸	۹۵
جمهوریخواه	۱۸	۱۶	۱۱	۹	۱۳	۱۰	۱۲	۸	۱۱	۴
مستقل	-	-	۳	-	-	۷	۴	۱	-	-

نحوه رأی دادن اسپانیایی تبارها که ۹ درصد کل واجدین رأی دادن می باشند

	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	۶۳	-	۵۶	۶۲	۶۹	۶۱	۷۲	۶۲	۵۳	۶۷
جمهوریخواه	۳۵	-	۳۵	۳۷	۳۰	۲۵	۲۱	۳۵	۴۴	۳۱
مستقل	-	-	۸	-	-	۱۴	۶	۲	-	-

نحوه رأی دادن آسیایی تبارها که ۲ درصد کل واجدین رأی دادن می باشند

	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	-	-	-	-	-	۳۱	۴۳	۵۴	۵۶	۶۲
جمهوریخواه	-	-	-	-	-	۵۵	۴۸	۴۱	۴۴	۳۵
مستقل	-	-	-	-	-	۱۵	۸	۴	-	-

نمودار ۲- کل آرا در انتخابات از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸

	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	۳۶	۵۰	۴۱	۴۰	۴۵	۴۳	۴۹	۴۸	۴۸	۵۳
جمهوریخواه	۶۱	۴۸	۵۱	۵۹	۵۳	۳۸	۴۱	۴۸	۵۱	۴۶
مستقل	-	-	۷	-	-	۱۹	۸	۲	-	-

نمودار ۳- رأی با توجه به جنسیت رأی دهنده در انتخابات از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸:

نحوه رأی دادن مردان که ۴۷ درصد کل واجدین رأی دادن می باشند										
	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	۳۶	۵۰	۳۶	۳۷	۴۱	۴۱	۴۳	۴۲	۴۴	۴۹
جمهوریخواه	۶۲	۴۸	۵۵	۶۲	۵۷	۳۸	۴۴	۵۳	۵۵	۴۸
مستقل	-	-	۷	-	-	۲۱	۱۰	۳	-	-
نحوه رأی دادن زنها که ۵۳ درصد کل واجدین رأی دادن می باشند										
	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات	۳۷	۵۰	۴۵	۴۴	۴۹	۴۵	۵۴	۵۴	۵۱	۵۶
جمهوریخواه	۶۱	۴۸	۴۷	۵۶	۵۰	۳۷	۳۸	۴۳	۴۸	۴۳
مستقل	-	-	۷	-	-	۱۷	۷	۲	-	-

نمودار ۴- رأی با توجه به تعلق سیاسی در انتخابات از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸

	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات لیبرالها	-	۷۱	۶۰	۷۰	۸۱	۶۸	۷۸	-	۸۵	۸۹
جمهوریخواه ۲۲ درصد کل	-	۲۶	۲۵	۲۸	۱۸	۱۴	۱۱	-	۱۳	۱۰
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۱۱	-	-	۱۸	۷	-	-	-
دموکرات میانه‌روها	-	۵۱	۴۲	۴۷	۵۰	۴۷	۵۷	-	۵۴	۶۰
جمهوریخواه ۴۴ درصد کل	-	۴۸	۴۹	۵۳	۴۹	۳۱	۳۳	-	۴۵	۳۹
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۸	-	-	۲۱	۹	-	-	-
دموکرات محافظه کاران	-	۲۹	۲۳	۱۷	۱۹	۱۸	۲۰	-	۱۵	۲۰
جمهوریخواه ۳۴ درصد کل	-	۷۰	۷۳	۸۲	۸۰	۶۴	۷۱	-	۸۴	۷۸
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۴	-	-	۱۸	۸	-	-	-

نمودار ۵- نتایج انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸

ایالت	تعداد رأی الکتورال	کاندیدا	تعداد آرای بدست آمده	درصد آرای بدست آمده
آلاباما	۹	جان مک کین	۱۲۶۳۷۴۱	۶۰
		باراک اوباما	۸۱۱۵۱۰	۳۹
آلاسکا	۳	جان مک کین	۱۳۶۳۴۸	۶۲
		باراک اوباما	۸۰۳۴۰	۳۶

آریزونا	۱۰	جان مک کین	۱۰۴۸۵۹۰	۵۴
		باراک اوباما	۸۸۴۹۶۵	۴۵
آرکانزاس	۶	جان مک کین	۶۳۲۶۷۲	۶۹
		باراک اوباما	۴۱۸۰۴۹	۳۹
کالیفرنیا	۵۵	باراک اوباما	۶۳۷۴۶۱۹	۶۱
		جان مک کین	۳۸۷۱۷۶۰	۳۷
کلرادو	۹	باراک اوباما	۱۲۱۶۷۹۳	۵۴
		جان مک کین	۱۰۲۰۱۳۵	۴۵
کانتیکت	۷	باراک اوباما	۹۵۹۱۶۶	۶۱
		جان مک کین	۶۰۷۸۹۳	۳۸
دلور	۳	باراک اوباما	۲۴۷۳۸۶	۶۱
		جان مک کین	۱۵۱۶۶۷	۳۸
فلوریدا	۲۷	باراک اوباما	۴۱۴۳۹۵۷	۵۱
		جان مک کین	۳۹۳۹۳۸۰	۴۸
جورجیا	۱۵	جان مک کین	۲۰۴۴۴۴۸	۵۲
		باراک اوباما	۱۸۳۷۰۳۶	۴۷
هاوایی	۴	باراک اوباما	۲۹۸۶۲۱	۷۲
		جان مک کین	۱۱۰۸۴۸	۲۷
آیداهو	۴	جان مک کین	۴۰۰۹۸۹	۶۲
		باراک اوباما	۲۳۵۲۱۹	۳۶
ایلی نوزی	۲۱	باراک اوباما	۳۲۹۳۳۴۰	۶۲
		جان مک کین	۱۹۷۵۸۰۱	۳۷
ایندیانا	۱۱	باراک اوباما	۱۳۶۷۲۶۴	۵۰
		جان مک کین	۱۳۴۱۱۰۱	۴۹
آیوا	۷	باراک اوباما	۸۱۸۲۴۰	۵۴
		جان مک کین	۶۷۷۵۰۸	۴۵
کانزاس	۶	جان مک کین	۶۸۵۵۴۱	۵۷
		باراک اوباما	۴۹۹۹۷۹	۴۱
کنتاکی	۸	جان مک کین	۱۰۴۳۲۶۴	۵۷
		باراک اوباما	۷۴۶۵۱۰	۴۱
لوئیزیانا	۹	جان مک کین	۱۱۴۷۶۰۳	۵۹
		باراک اوباما	۷۸۰۹۸۱	۴۰
مین	۴	باراک اوباما	۴۲۱۴۸۴	۵۸
		جان مک کین	۲۹۶۱۹۵	۴۱
مربلند		باراک اوباما	۱۴۷۸۰۶۷	۶۱
		جان مک کین	۸۹۶۸۰۵	۳۷
ماساچوست	۱۲	باراک اوباما	۱۸۹۱۰۸۳	۶۲
		جان مک کین	۱۱۰۴۲۸۴	۳۶
میشیگان	۱۷	باراک اوباما	۲۸۶۷۶۶۰	۵۷

		جان مك كين	۲۰۴۴۰۵	۴۱
		باراك اوباما	۱۵۷۳۲۵۶	۵۴
		جان مك كين	۱۲۷۵۳۶۶	۴۴
مینه سوتا	۱۰	جان مك كين	۶۸۶۶۰۵	۵۶
		باراك اوباما	۵۱۹۸۹۷	۴۳
می سی سی پی	۶	جان مك كين	۱۴۴۲۶۷۳	۴۹
		باراك اوباما	۱۴۳۶۸۱۴	۴۹
میسوری	۱۱	جان مك كين	۲۴۱۸۱۶	۵۰
		باراك اوباما	۲۲۹۷۲۵	۴۷
ماتانانا	۳	جان مك كين	۴۳۹۴۳۴	۵۷
		باراك اوباما	۳۱۵۹۱۵	۴۱
نبراسکا	۵	باراك اوباما	۵۳۱۸۸۴	۵۵
		جان مك كين	۴۱۱۹۸۸	۴۳
نوادا	۵	باراك اوباما	۳۸۴۵۹۱	۵۴
نیوهمشایر	۴	جان مك كين	۳۱۶۹۳۷	۴۵
		باراك اوباما	۲۰۸۵۰۵۱	۵۷
نیوجرسی	۱۵	جان مك كين	۱۵۴۵۴۹۵	۴۲
		باراك اوباما	۴۵۸۷۵۴	۵۷
نیومکزیکو	۵	جان مك كين	۳۴۰۸۵۷	۴۲
		باراك اوباما	۴۳۵۷۳۶۰	۶۲
نیویورک	۳۱	جان مك كين	۲۵۷۳۳۶۸	۳۷
		باراك اوباما	۲۱۲۳۳۹۵	۵۰
کارولینای شمالی	۱۵	جان مك كين	۲۱۰۹۴۰۲	۵۰
		باراك اوباما	۱۶۸۵۲۳	۵۳
داکوتای شمالی	۳	باراك اوباما	۱۴۱۱۱۳	۴۵
		جان مك كين	۲۷۰۸۹۸۸	۵۱
اوهايو	۲۰	جان مك كين	۲۵۰۲۲۱۸	۴۷
		باراك اوباما	۹۵۹۶۴۵	۶۶
اوکلاهما	۷	باراك اوباما	۵۰۲۲۸۶	۳۴
		جان مك كين	۹۷۸۶۰۵	۵۷
اورگان	۷	جان مك كين	۶۹۹۶۷۳	۴۱
		باراك اوباما	۳۱۹۲۳۱۶	۵۵
پنسلوانیا	۲۱	جان مك كين	۲۵۸۶۴۹۶	۴۴
		باراك اوباما	۲۸۱۲۰۶	۶۳
رڈآیلند	۴	جان مك كين	۱۵۷۳۱۷	۳۵
		باراك اوباما	۱۰۱۸۴۱۶	۵۴
کارولینای جنوبی	۸	جان مك كين	۸۴۹۸۵۲	۴۵
		باراك اوباما	۲۰۳۰۱۹	۵۳
داکوتای جنوبی	۳	جان مك كين		

		باراك اوباما	۱۷۰۸۸۶	۴۵
تنسی	۱۱	جان مك كین	۱۴۷۰۱۶۰	۵۷
		باراك اوباما	۱۰۸۱۰۷۴	۴۲
تگزاس	۳۴	جان مك كین	۴۴۶۷۷۴۸	۵۶
		باراك اوباما	۳۵۲۱۱۶۴	۴۴
یوتا	۵	جان مك كین	۵۵۵۴۹۷	۶۳
		باراك اوباما	۳۰۱۷۷۱	۳۴
ورمانت	۳	باراك اوباما	۲۰۳۹۵۲	۶۷
		جان مك كین	۹۶۴۵۸	۳۲
واشنگتن	۱۱	باراك اوباما	۱۳۴۴۶۳۹	۵۸
		جان مك كین	۹۲۹۸۲۹	۴۰
ویرجینیای غربی	۵	جان مك كین	۳۹۴۲۷۸	۵۸
		باراك اوباما	۳۰۱۴۳۸	۴۳
ویسکانسین	۱۰	باراك اوباما	۱۶۷۰۴۷۴	۵۶
		جان مك كین	۱۲۵۸۱۸۱	۴۲
وایومینگ	۳	جان مك كین	۱۶۰۶۳۹	۶۵
		باراك اوباما	۸۰۴۹۶	۳۳
		باراك اوباما	۱۹۰۵۵۱۷	۵۲
ویرجینیا		جان مك كین	۱۷۰۳۴۲۴	۴۷
منطقه واشنگتن	۳	باراك اوباما	۲۱۰۴۰۳	۹۳
		جان مك كین	۱۴۸۲۱	۷

نمودار ۶- رأی با توجه به منطقه جغرافیایی در انتخابات از سال ۱۹۷۲ تا ۲۰۰۸

	۱۹۷۲	۱۹۷۶	۱۹۸۰	۱۹۸۴	۱۹۸۸	۱۹۹۲	۱۹۹۶	۲۰۰۰	۲۰۰۴	۲۰۰۸
دموکرات شمال شرقی	۳۹	۵۱	۴۲	۴۷	۴۹	۴۷	۵۵	۵۶	۵۵	۵۹
جمهوریخواه با ۲۱ درصد کل	۵۹	۴۷	۴۷	۵۳	۵۰	۳۵	۳۴	۳۹	۴۳	۴۰
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۹	-	-	۱۸	۹	۳	-	-
دموکرات غرب میانه	۳۹	۴۸	۴۱	۴۱	۴۷	۴۲	۴۸	۴۸	۴۸	۵۴
جمهوریخواه با ۲۴ درصد کل	۵۹	۵۰	۵۱	۵۸	۵۲	۳۷	۴۱	۴۹	۵۱	۴۴
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۷	-	-	۲۱	۱۰	۲	-	-
دموکرات جنوب	۲۹	۵۴	۴۴	۳۶	۴۱	۴۱	۴۶	۴۳	۴۲	۴۵
جمهوریخواه با ۳۲ درصد کل	۷۰	۴۵	۵۲	۶۴	۵۸	۴۳	۴۶	۵۵	۵۸	۵۳
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۳	-	-	۱۶	۷	۱	-	-
دموکرات غرب	۴۰	۴۶	۳۴	۳۸	۴۶	۴۳	۴۸	۴۸	۵۰	۵۷
جمهوریخواه با ۲۳ درصد کل	۵۷	۵۱	۵۳	۶۱	۵۲	۳۴	۴۰	۴۶	۴۹	۴۰
مستقل واجدین رأی دادن	-	-	۱۰	-	-	۲۳	۸	۴	-	-